

بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر در شهرستان های خواف و رُشتخوار نمونه موردی: شهرهای نشتیفان، سلامی و جنگل

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۰

مهدی یوسفنیا^۱

علی اصغر مهاجرانی^۲

منصور حقیقتیان^۳

چکیده

تحت تأثیر شهرنشینی، عوامل فرهنگی و اجتماعی گوناگونی سبک زندگی افراد را دچار تغییر و دگرگونی می کنند. سبک زندگی در نحوه گذران اوقات فراغت، پوشاک، تغذیه، مدیریت بدن (آرایش و اصلاح سر و صورت و بهداشت فردی)، سبک معماری و چیدمان داخلی منازل افراد، جلوه گر می شود. این پژوهش با هدف بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر در شهرستان های خواف و رُشتخوار در استان خراسان رضوی انجام و مبنای نظری آن نیز بر مبنای نظریات ابن خلدون، وبر، وبلن، زیمل، بوردیو، گیدنز و چنی تدوین شده است. روش پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری داده ها پرسش نامه محقق ساخته است. نتایج نشان می دهد بین اکثر شاخص های عوامل فرهنگی و اجتماعی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه معناداری وجود دارد. با بررسی ضریب بتا (Beta) مربوط به این عوامل مشخص می شود که عوامل اجتماعی با بتای ۰/۲۶۶ بیشترین میزان تأثیر را بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر داشته است و عوامل فرهنگی با مقدار ۰/۱۹۳ در رتبه دوم قرار دارد. در مجموع، بیشتر تغییرات

۱. دکترای جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، نویسنده مسؤل
myousefnia2004@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان
aliasghar.mohajerani@yahoo.com

۳. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان
Mansour_haghighatian@yahoo.com

شاخص های سبک زندگی در شهرهای نشتیفان و سلامی، متأثر از عوامل فرهنگی و در شهر جنگل، ناشی از عوامل اجتماعی بوده اند.

واژگان کلیدی: شهرنشینی، سبک زندگی، مصرف رسانه ای، مصرف گرایی، مشارکت اجتماعی، خوف، رُشتخوار

مقدمه

امروزه شهرنشینی به شکل غالب و قطعی زندگی انسان ها تبدیل شده است. در حال حاضر شهرنشینی یکی از مهم ترین جنبه های زندگی اجتماعی در سطح جهان محسوب می شود. این پدیده در گذشته هم وجود داشته است، ولی مسلماً از جهت تعداد و نسبت جمعیت شهری قابل قیاس با اکنون نیست. در واقع، رشد شهرنشینی در سطح جهان از قرن بیستم و بویژه از نیمه دوم آن شروع شده است و به همین جهت، یک پدیده جدید به شمار می آید. این پدیده در عین حال جهانی بوده و تقریباً تمام کشورها آن را تجربه می کنند. این فرایند جهانی، توزیع فضایی ساکنین کره خاکی را در تمام قسمت های جهان شکل داده و هنوز هم در حال شکل دادن است، فرایندی که به نظر برگشتناپذیر می نماید (Pumain, 2006: 319). در حقیقت یکی از مهم ترین پدیده های جمعیت شناختی نو که انتظار می رود حتی در آینده تحول بیشتری ایجاد کند، رشد سریع شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه است (Todaro, 2005: 322). در کشورهای در حال توسعه نسبت جمعیت روستایی و شهری از کل جمعیت به ترتیب از ۸۲/۵ و ۱۷/۵ درصد در سال ۱۹۵۰ به ۶۳ و ۳۷ درصد در سال ۲۰۱۰ تغییر پیدا کرده است (United Nation, 2012: 25). در ایران نیز طی ۴۰ سال گذشته، نسبت شهرنشینی از ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۱/۴ درصد یعنی بیش از دو برابر در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. از جمله دلایل مهم تغییر سریع نسبت شهرنشینی می توان به این نکته اشاره نمود که تغییر در قانون تقسیمات کشوری در دهه های اخیر، الگوی نظام سکونت گاهی در ایران را به شدت تغییر داده است (Rezvani & et al., 2009). به عبارت دیگر، یکی از راهبردهای اصلی توسعه روستایی در ایران طی سال های اخیر،

سیاست تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک بوده است. بعد از تبدیل روستا به یک مرکز شهری، آن منطقه با پدیده شهرنشینی روبرو شده که پیامدهای فرهنگی و اجتماعی خاص خود را نیز به دنبال خواهد داشت، مجموع این پیامدها نیز بر سبک زندگی ساکنان این نواحی تأثیرگذار بوده و در نهایت سبک جدیدی از زندگی (شامل نحوه گذران اوقات فراغت، مطالعه، تفریح، استراحت، مسافرت، لباس و پوشاک، تغذیه، مدیریت بدن، سبک معماری و چیدمان داخلی منازل) را پدید می آورند. در دهه های اخیر موضوع سبک زندگی مورد توجه جامعه شناسان زیادی قرار گرفته است (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۱۹۹). در نظر گرفتن سبک زندگی در روستاهای تبدیل شده به شهر جهت پرداختن به پیامدهای شهرنشینی در نقاطی است که در چند دهه اخیر به جرگه شهرهای قدیمی تر پیوسته اند. این مراکز هم چون نهالی نوپا بوده که با مطالعه تحولات فرهنگی و اجتماعی آنها شاید بتوان بسیاری از معضلات و آسیب هایی را که در آینده گریبان این مراکز را خواهند گرفت، شناسایی نمود. در واقع، میان فضای زیستی (شهر) و خواست ها و تمایلات فرهنگی و اجتماعی انسان ها (سبک زندگی) رابطه وجود دارد. شناخت و تحلیل تأثیرات پدیده شهرنشینی بر سبک زندگی شهروندان از آن جهت دارای اهمیت است که برنامه ریزان شهری (مخصوصاً در مناطق شهری جدید) را در پی بردن به علل عمده ای که در پس رفتارهای فرهنگی و اجتماعی افراد است، یاری رسانده و آنها را در حل معضلات فرهنگی و اجتماعی پیش روی این مراکز، یاری خواهد رساند. هم چنین با توجه به این که در زمینه عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر در منطقه مورد مطالعه، تحقیقی انجام نشده است، از این رو، موضوعی جدید محسوب می شود. مقاله حاضر، به بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر در شهرستان های خواف و رُشتخوار واقع در استان خراسان رضوی می پردازد.

مبانی نظری

اندیشمندان مختلفی از جمله ابن خلدون، تونیس^۱، زیمل^۲، وبر^۳، دورکیم^۴، بوردیو^۵، گیدنز^۶، ورث^۷ و چنی^۸ به بررسی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی ناشی از شهرنشینی بر سبک زندگی افراد پرداخته‌اند و هر یک نیز ویژگی‌هایی را برای سبک زندگی شهری در مقابل سبک زندگی روستایی برشمرده‌اند. از نظر ابن خلدون نوع زندگی، ثروتمندی و تجمل خواهی، رفاه، امنیت، تشکیلات جدید، محیط تازه و همه پدیده‌های شهرنشینی مرتبط، از یک انسان بدوی (روستایی) موجودی می‌سازد که خصوصیات وی به کلی با گذشته متفاوت است. از جمله این که خون پرستی در او تضعیف می‌شود، به علت کار در بازار و کارمند دولت بودن، رابطه او با قبیله‌اش فراموش می‌شود، دلبستگی‌ها و تعلقات گذشته‌اش تضعیف می‌گردد، به علت آمیزش با پول، ارزش‌های مادی جای اندیشه‌های معنوی را می‌گیرد، به علت خو گرفتن به تجمل، شهوت پرست شده و با اخلاق و دین غریبه می‌گردد. بر این اساس، انسان شهرنشین از خود بیگانه شده و ماهیتش دگرگون می‌گردد. وی معتقد است که شهرنشینان کم‌کم شعائر و تعالیم مذهبی را فراموش کرده و دستورات آن را زیر پا می‌گذارند (علی‌مردانی، ۱۳۸۵: ۱۱۲). در اندیشه ماکس وبر جامعه‌شناس مشهور آلمانی، شهر از دوران قرون وسطی به بعد مرکز توسعه فردگرایی است. در معاملات بازرگانی و اقتصادی، افراد با حقوقی یکسان و مساوی با یکدیگر قرارداد می‌بندند و در برابر یکدیگر از حقوق و تعهدات یکسانی برخوردارند. فردگرایی که از بسیاری جهات، با تخصصی شدن محیط شهری گسترش می‌یابد، در واقع خصلت ویژه شهر است. در زندگی اجتماعی شهری، وقت‌شناسی، حسابگری و دقیق بودن لازمه زندگی پیچیده بوده و در ارتباط بسیار تنگاتنگ با اقتصاد پولی و هوش گرایی قرار دارد.

-
1. Tunis
 2. Simmel
 3. Weber
 4. Durkheim
 5. Bourdieu
 6. Giddens
 7. Wirth
 8. Chaney

شهر چیزی بیش از مجموعه ای افراد انسانی و امکانات اجتماعی (خیابان ها، ساختمان ها، چراغ های برق، قطارهای زیرزمینی، تلفن ها و ...) است؛ چیزی بیش از صرفاً کهکشانی از نهادها و بخش های اداری، دادگاه ها، بیمارستان ها، مدارس و ... است. شهر بیشتر یک قلمرو ذهنی است، هیأتی از سنت ها، آداب و رسوم و گرایش های سازمان یافته و عواطف (وبر، ۱۳۷۴: ۵۰). زیمل اصولاً شهرها را محیط هایی می داند که محرک های بسیار متنوعی برای انسان ایجاد می نمایند که هیچ فردی نمی تواند به تنهایی به همه آن ها پاسخگو باشد. بنابراین به دلیل تنوع محرک های محیط شهری، فرد شهرنشین به آگاهی و تیزهوشی بیشتری نیاز دارد و سادگی روستایی در این مسابقه عقب می ماند. انسان شهری با مغز خود به محرک های بی شمار زندگی شهرنشینی پاسخ می دهد، نه با قلب خویش. تفاوت دیگر این که شهر ماهیتاً جایگاه اقتصادی پولی است و همین ویژگی موجب می شود که انسان شهرنشین دیدگاه خاص و مستقلی نسبت به اطرافیان خود پیدا کند. از نظر او گستره وسیع کارکرد شهرها بر محور تقسیم کار استوار است و بر همین اساس، در جامعه شهری چه بودن مهم است نه که بودن. حاصل چنین وضعیتی البته این است که فرصت های شهرنشینان برای ایجاد تماس های نزدیک و عاطفی با دیگران بسیار کم و خودمختاری هدف و موضوع زندگی افراد می شود. انسان شهری باید خصوصیات فردی خود را طوری بزرگ جلوه دهد که اقلأ در میان انبوه عظیم دیگر شهرنشینان نمایشی داشته باشد (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹: ۲۰۳-۲۰۴). نوشته زیمل تحت عنوان کلان شهرها و حیات ذهنی، نمونه برجسته در تبیین عوامل اثرگذار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر زندگی افراد در شهرهای جدید است. باید افزود اندیشه زیمل از آن جهت که او تمایز بین دو ویژگی عمده زندگی شهری، سازنده رفتار انسانی را مورد توجه قرار می دهد از اهمیت بیشتری برخوردار است. در قالب نظریه نوسازی نیز شهر مرکزی است برای رشد، تحرک و یکپارچگی جمعیت و شهرها و مناطق حومه آنها سبک و شیوه جدیدی از زندگی را به ارمغان آورده و تغییر و تحولاتی در سبک زندگی و رفتاری آنان به وجود می آورد. چون بحث تغییر عقاید و علایق و در نظر گرفتن علایق و عقاید دیگران مطرح است، بر این مبنا است که شهر به منزله عامل توسعه اجتماعی

مطرح می‌شود که به ساکنان خود، بینش‌های فرهنگی جدیدی را ارائه می‌دهد. دانیل لرنر^۱ که از پیشکسوتان نظریه نوسازی است، رشد مراکز شهری جدید در جهان سوم را به عنوان عامل ترقی و تقویت کننده احساس فردگرایی و تضعیف کننده سنت گرایی می‌داند. او استدلال می‌کند که شهرنشینی موجب افزایش سطح مشارکت اجتماعی در جوامع می‌شود و موجبات اخذ نگرش‌های جدید، روشن بینی و سؤال کردن را فراهم می‌کند و در نهایت، موجب ارتقای تحرک روانی می‌شود. مهم تر این که نیازهای زندگی شهری به خصوص نیازهای حرفه‌ای، مردم شهری را به داشتن ویژگی‌های خاص نوگرایی، مثل باسوادی تشویق می‌کند، چون مردم باید باسواد باشند تا نسبت به علائم و نمادها که خاص جامعه شهری اند، آگاه بشوند و بتوانند با آنها ارتباط برقرار کرده و زندگی اجتماعی خود را تنظیم نمایند. هنگامی که رشد فردگرایی و اهمیت دادن به خواسته‌ها و نیازهای شخصی در تعاملات بین افراد جامعه شهری از اهمیت بسیار بالایی برخوردار باشد و شهروندان به دلیل فشارها، مشکلات و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی، فقدان رعایت نظم هنجاری و ارزشی در تعاملات اجتماعی با یکدیگر، منجر به این شود که حس اطمینان و اعتماد بین یکدیگر کاهش یابد، آن وقت سرمایه اجتماعی تنزل پیدا خواهد کرد، در نتیجه انواع آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی بروز پیدا می‌کند. با کاهش اعتماد بین افراد، ارتباطات دروغ آمیز و رفتارهای تقلب گونه بین شهروندان نسبت به عملکرد یکدیگر بروز پیدا می‌کند. در واقع، افول سرمایه اجتماعی منجر به اختلالات رابطه‌ای به‌خصوص در جامعه شهری شده است. منظور از این اختلال عبارت است از «پایین بودن ۱- چگالی روابط اجتماعی ۲- قرینگی روابط اجتماعی ۳- تعدد روابط اجتماعی ۴- شدت روابط اجتماعی ۵- تنوع هویت‌ها در روابط اجتماعی». در شرایط اختلال رابطه‌ای، احترام متقابل اجتماعی و انعطاف اجتماعی کاهش می‌یابد. این اختلال استحکام اجتماع را خدشه دار می‌کند و آسیب پذیری فرد را افزایش می‌دهد، زیرا اختلال رابطه‌ای می‌تواند به انزوای اجتماعی، یأس، احساس عجز و انفعال گرایی منجر شود» (چلبی، ۱۳۸۶: ۱۴۷). به منظور استفاده از نظریات ارائه شده، اثرات مورد

نظر هر یک از نظریه پردازان مورد نظر، در قالب دو متغیر فرهنگی و اجتماعی دسته بندی شده که در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱) متغیرهای فرهنگی و اجتماعی پژوهش و شاخص های مورد نظر

بر اساس نظریات مختلف بیان شده

متغیرهای مستقل	شاخص ها	نظریه پرداز / نظریه پردازان بیان کننده شاخص
عوامل اجتماعی	مشارکت اجتماعی	ماکس وبر، دانیل لرنر و لوئیس ورت
	سازمان های سیاسی و اداری	ابن خلدون، وبر، ورت و اسپایکمن
	شبکه راه ها و وسایل ارتباطی	پارک، اسملسر و لرنر
	روحیه فردگرایی	ابن خلدون، تونیس، دورکیم، وبر و لرنر
	ایجاد طبقات اجتماعی	ابن خلدون، دورکیم
	روابط غیرمستقیم و ثانویه	تونیس، زیمل، پارک، ورت و فیشر
عوامل فرهنگی	امکانات فرهنگی و آموزشی	لرنر و بورديو
	مصرف رسانه ای	لرنر و بورديو
	سرمایه فرهنگی	لرنر و بورديو
	گرایش های دینی	ابن خلدون

منبع: بررسی های کتابخانه ای محققین (۱۳۹۳)

در خصوص مفهوم سبک زندگی نیز نظریه پردازان گوناگونی به ارائه نظریه پرداخته اند. از جمله ابن خلدون دو سنخ اجتماعی بادیه نشین و شهرنشین را بر اساس روش معیشت و شیوه های زندگی یا همان سبک زندگی مطرح می سازد و به طور کلی علت اصلی اختلاف این دو سنخ را محیط جغرافیایی و شیوه ی معیشت می داند. «باید دانست که تفاوت عادات و رسوم و شئون زندگانی ملت ها در نتیجه ی اختلافی است که در شیوه ی معاش (اقتصاد) خود پیش می گیرند» (ابن خلدون، ۱۳۷۳: ۲۲۵). از دید زیمل، شهر فضایی است که زندگی جدید در آن جریان دارد. جامعه جدید در اصل در کلانشهر شکل گرفته و به صورت عمیق و کامل در آنجا تکامل یافته است (کیویستو، ۱۳۸۰: ۱۷۶). ایده وبلن^۱ بر تمایزیابی و تقلید مبتنی است. به باور وی «طبقه مرفه از طریق مصرف تظاهری

به اقتدار هنجاری دست می‌یابد و خود را به الگوی جامعه تبدیل می‌کند. گروه‌های اجتماعی زیردست می‌کوشند تا خود را با الگوهای هنجاری طبقه مرفه تنظیم کنند» (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۱). از دید وبر الگوهای گوناگون از درون سبک‌های مختلف زندگی ناشی شده و به وسیله آنها پذیرفته یا رد می‌شوند. هر سبک زندگی آدابی خاص دارد که این آداب شامل الگو نیز می‌شود «آداب، زمانی الگو نامیده می‌شوند که تازه بودن رفتار مربوطه مبنای جهت‌گیری کنش باشد» (وبر، ۱۳۷۴: ۳۴). بوردیو سبک زندگی را فعالیت‌های نظام‌مندی می‌داند که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شوند و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارند و در عین حال، به صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشند و میان اقدار مختلف اجتماعی تمایز ایجاد می‌کنند. معنا یا به عبارتی ارزش‌های این فعالیت‌ها، از موقعیت‌های آن در نظام تضادها و ارتباط‌ها اخذ می‌شود (Bourdieu, 1984: 173-176). وی در جای دیگر می‌گوید: «سبک زندگی دارایی‌هایی است که به وسیله آن، اشغال‌کنندگان موقعیت‌های مختلف خودشان را با قصد تمایز یا بدون قصد آن از (دیگران) تمایز می‌بخشند (همان: 249). در نظریه بوردیو سبک زندگی که شامل اعمال طبقه‌بندی شده و طبقه‌بندی‌کننده فرد در عرصه‌هایی چون تقسیم ساعات شبانه روز، نوع تفریحات و ورزش، شیوه معاشرت، اثاثیه و خانه، آداب سخن گفتن و راه رفتن است، در واقع عینیت یافته و تجسم یافته ترجیحات افراد است. از یک سو، سبک‌های زندگی شیوه‌های مصرف‌عاملان اجتماعی‌ای است که دارای رتبه‌بندی‌های مختلفی از جهت شأن و مشروعیت اجتماعی‌اند. این شیوه‌های مصرفی بازتاب نظام اجتماعی سلسله‌مراتبی است. اما چنانچه بوردیو در کتاب تمایز بر حسب منطق دیالکتیکی نشان می‌دهد مصرف صرفاً راهی برای نشان دادن تمایزات نیست، بلکه خود راهی برای ایجاد تمایزات نیز هست (باکاک، ۱۳۸۱: ۹۶). ذائقه‌ها و ترجیحات زیباشناختی متفاوت، سبک‌های زندگی متفاوت ایجاد می‌کنند. بنابراین "سبک زندگی" محصول نظام مند منش است که از خلال رابطه دو جانبه خود با رویه‌های منش درک می‌شود و تبدیل به نظام نشانه‌هایی می‌گردد که به گونه‌ای جامعه‌مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. مثلاً به عنوان قابل احترام، ننگ آور و... (Bourdieu, 1984: 172). از نظر گیدنز (۱۳۸۴: ۳۰)

سبک زندگی به صورت عملکردهای روزمره در می آیند، عملکردهایی که در نوع پوشش، خوراک، طرز کار و محیط مطلوب برای ملاقات با دیگران تجسم می یابند. هر یک از تصمیم گیری هایی که یک شخص در زندگی روزانه می کند (چه بیوشم، چه بخورم، در کار چگونه کار کنم، پس از پایان کار با چه کسی ملاقات کنم) در تعیین و تنظیم امور روزمره مشارکت دارند. از نظر چنی (Chaney, 1996: 11) تحلیل گران نه تنها باید زمینه های تغییر رژیم غذایی، عادات اوقات فراغت یا چشم داشت های مربوط به نقش های وابسته به جنس را بدانند، بلکه نیازمند دانستن معنای فرهنگی انواع گوناگون تغییر نیز هستند و سبک های زندگی هم، صورت هایی از هویت جمعی هستند، که در طول زمان تحول می یابند. به منظور استفاده از نظریات ارائه شده، شاخص های مورد نظر هر یک از نظریه پردازان مورد مطالعه جهت سنجش سبک زندگی، در قالب جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲) شاخص ها و عناصر تشکیل دهنده سبک زندگی به تفکیک نظریه پردازان مورد مطالعه

متغیر وابسته	شاخص ها	نظریه پرداز / نظریه پردازان بیان کننده شاخص
سبک زندگی	الگوهای گذران اوقات فراغت	بوردیو و چنی
	شیوه گرایی (لباس)	زیمل، ولبن، وبر، بوردیو و گیدنز
	نوع تغذیه	بوردیو، گیدنز و چنی
	مدیریت بدن ^۱ (آرایش و اصلاح سر و صورت و بهداشت فردی)	بوردیو
	سبک معماری و چیدمان داخلی منازل	بوردیو
	زبان و لهجه صحبت کردن	بوردیو

منبع: بررسی های کتابخانه ای محققین (۱۳۹۳)

مروری بر پژوهش های انجام شده

پاره ای از مطالعات جهانی در خصوص روستاهای تبدیل شده به شهر انجام گرفته

است. به عنوان مثال، دمپسی^۱ در تحقیقی که در سال ۱۹۹۰ میلادی در شهر اسمال تاون^۲ استرالیا انجام داد به این نتیجه رسید که مردم این شهر، احساس تعلق و وابستگی شدیدی به محل زندگی خود داشته و از انسجام اجتماعی زیادی برخوردارند. بالا بودن سطح مشارکت اجتماعی در این منطقه شهری به وضوح مشاهده گردیده است. نتایج تحقیق ویلسون^۳ در سال ۱۹۹۳ میلادی نشان داد که هر چند شهری شدن باعث کاهش ملاقات های چهره به چهره با اقوام می شود، ولی این تأثیرات اندک است. یافته های تحقیق وی^۴ در سال ۲۰۰۶ میلادی نشان می دهد که پاسخگویان به شناسایی تلفن همراه به عنوان ملاک غربی شدن و سبک زندگی نو تمایل دارند. چادنوپادیای^۵ به فقدان زیرساخت و خدمات اساسی مناسب و لازم در روستاهای تبدیل شده به شهر در هند و نقش آن در دست نیافتن به توسعه ی پایدار اشاره دارد (اوماجا^۶، ۱۹۸۷: ۸۸۲). در ایران نیز نتایج تحقیق ایزدی خرامه در سال ۱۳۸۰ نشان داده است که تبدیل روستا به شهر در کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ تر و تثبیت جمعیت در نواحی روستایی، افزایش فرصت های شغلی، بویژه در بخش خدمات اداری و تجاری و نیز در بهبود کارکردهای خدماتی شهرهای ایجاد شده و حوزه ی نفوذ آن ها مؤثرند. پورافکاری، کلانتری و نقدی (۱۳۸۱) در تحقیقی نشان داده اند که بین شهرنشینی و متغیرهایی هم چون افزایش سطح توسعه فرهنگی، افزایش میزان مشارکت اجتماعی افراد، افزایش امکانات منطقه و بالا رفتن سطح سواد رابطه وجود دارد. ضیاء توانا و امیرانتخابی (۱۳۸۶) به این نتیجه رسیده اند که تبدیل روستاهای این شهرستان (تالش) به شهر نه تنها تحولات اجتماعی، اقتصادی و فضایی مهمی را در خود این مراکز ایجاد می کند، بلکه حوزه نفوذ آن ها را نیز به شدت تحت تأثیر قرار می دهد. پورهمرنگ (۱۳۸۷) در تحقیق خود به وجود رابطه میان محیط اجتماعی و شهری نو و رشد و گسترش

-
1. Dempsey
 2. Small town
 3. Wilson
 4. Wei
 5. Chadnopadiyai
 6. Omoja

نفس و فردگرایی اذعان نمود. نوابخش و فتحی (۱۳۸۹) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که رشد شهرنشینی در کشور ما به فروپاشی اقتصاد کشاورزی و روستایی در چند دهه منجر شده است. حقیقتیان (۱۳۹۱) در تحقیقی به این نتیجه رسیده است که شهرنشینی روی اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی افراد، تأثیر منفی معنی‌داری داشته است ولی روی گسترش معیارهای عام‌گرایانه، احساس بی‌کنترلی و داشتن روابط و اتکاء روی خانواده و اقوام تأثیر چندانی نداشته است. نتایج تحقیق ذوالفقاری (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که بین دو متغیر نحوه مصرف‌گرایی افراد و میزان درآمد ماهانه آنها در سطح بالایی همبستگی وجود دارد. هم‌چنین نتایج حاصل از پژوهش صادقی قمشلو (۱۳۹۲) نشان داد که فرایند تبدیل روستا به شهر در شهرستان‌های جنوبی استان اصفهان (شهرضا، دهقان و مبارکه) دارای پیامدهای کاهش انسجام اجتماعی مردم، تغییر کاربری اراضی و تخریب آنها بوده است. ارزیابی تحقیقات صورت گرفته در این حوزه (تبدیل روستا به شهر و تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن در منطقه) نشان می‌دهد که اکثر تحقیقات انجام گرفته به بررسی تأثیرات محیطی و شکلی و تحقیقات اندکی نیز به مطالعه اثرات اقتصادی و اجتماعی این فرایند در مناطق مورد مطالعه پرداخته‌اند.

فرضیه‌های پژوهش

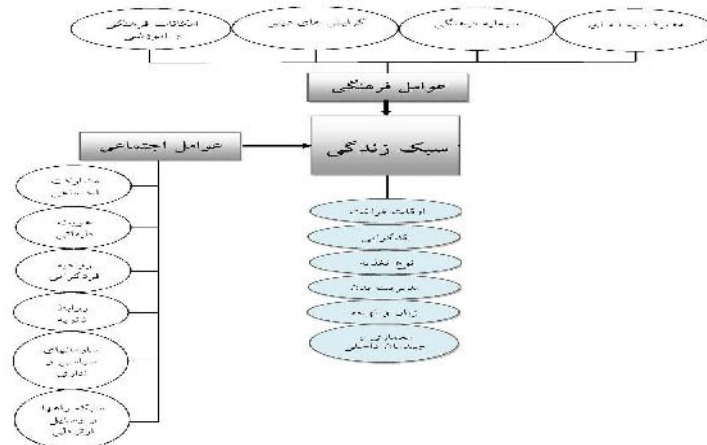
فرضیه‌های پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. بین مشارکت اجتماعی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه وجود دارد.
۲. بین ایجاد سازمان‌های سیاسی و اداری و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه وجود دارد.
۳. بین شبکه راه‌ها و وسایل ارتباطی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه وجود دارد.
۴. بین روحیه فردگرایی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه

- وجود دارد.
۵. بین ایجاد طبقات اجتماعی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه وجود دارد.
۶. بین روابط غیرمستقیم و ثانویه و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه وجود دارد.
۷. بین امکانات فرهنگی و آموزشی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه وجود دارد.
۸. بین مصرف رسانه‌ای و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه وجود دارد.
۹. بین سرمایه فرهنگی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه وجود دارد.
۱۰. بین گرایش‌های دینی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه وجود دارد.

الگوی مفهومی پژوهش

در این مقاله، بر مبنای شاخص‌های احصاء شده از نظریات مختلف، الگوی مفهومی زیر ترسیم شده است.



شکل ۱) الگوی مفهومی پژوهش منبع: بررسی‌های نظری تحقیق (۱۳۹۴)

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بوده و در آن از روش‌های اسنادی^۱ و پیمایشی^۲ بهره‌برداری و ضمن به‌کارگیری مصاحبه از پرسش‌نامه محقق‌ساخته جهت سنجش متغیرهای مستقل و نیز متغیر وابسته استفاده شده است. جامعه آماری عبارت است از مراکزی که در شهرستان‌های خواف و رُشتخوار واقع در استان خراسان رضوی از مناطق روستایی به شهر تبدیل شده‌اند. طبق اطلاعات موجود، در شهرستان‌های مورد مطالعه تعداد (سه) مرکز روستایی به اسامی نشتیفان و سلامی (در شهرستان خواف) و جنگل (در شهرستان رُشتخوار) به مناطق شهری تبدیل شده‌اند، که در این تحقیق، سه شهر جدید مذکور مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. طبق اطلاعات منتشره از سوی مرکز آمار ایران، در سرشماری سال ۱۳۹۰، سه شهر جامعه آماری این تحقیق، در مجموع جمعیتی برابر با ۲۰۴۹۷ نفر داشته‌اند. با نگرش به جامعه آماری، حجم نمونه این تحقیق تعدادی از ساکنین شهرهای نشتیفان، سلامی و جنگل بوده، که بر اساس نتایج به دست آمده از فرمول نمونه‌گیری کوکران^۳ برابر با ۳۳۷ نفر است. سپس به شیوه سهمیه‌ای (اختصاص متناسب)، در میان شهرهای جامعه آماری تقسیم شده است.

1. Documentary Method
2. Survey
3. Cochran

جدول ۳) تعداد جامعه آماری و نمونه آماری تحقیق به شیوه اختصاص متناسب

تعداد نمونه (نفر)	تعداد جمعیت (نفر)	جامعه نمونه آماری
۱۲۲	۷۴۲۶	شهر نشتیفان
۱۰۸	۶۵۸۱	شهر سلامی
۱۰۷	۶۴۹۰	شهر جنگل
۳۳۷	۲۰۴۹۷	جمع

منبع: بررسی های کتابخانه ای محققین (۱۳۹۳)

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی

از مجموع افراد مورد مطالعه ۵۶/۶ درصد مرد و ۴۳/۴ درصد نیز زن بوده اند. همچنین ۴۳/۳ درصد در محدوده سنی ۱۹ تا ۲۹ سال، ۲۷/۷ درصد در محدوده ۳۰ تا ۳۹ سال، ۱۷/۳ درصد در محدوده ۴۰ تا ۴۹ سال، ۹/۲ درصد در محدوده ۵۰ تا ۵۹ سال و ۲/۵ درصد نیز در محدوده سنی ۶۰ سال به بالا بوده اند. ۷۴/۶ درصد متأهل و ۲۵/۴ درصد نیز مجرد بوده اند. جدول ۴ اطلاعات توصیفی جامعه نمونه پژوهش را به تفکیک جنسیت، وضعیت تأهل، سن، وضعیت تحصیلات و نوع شغل نشان می دهد.

جدول ۴) وضعیت جامعه نمونه پژوهش بر حسب اطلاعات توصیفی

درصد	اطلاعات توصیفی	
۵۶/۶	مرد	جنسیت
۳۴/۴	زن	
۷۴/۶	متأهل	تأهل
۲۵/۴	مجرد	
۴۳/۳	۱۹-۲۹	سن
۲۷/۷	۳۰-۳۹	
۱۷/۳	۴۰-۴۹	
۹/۲	۵۰-۵۹	
۲/۵	۶۰ سال به بالا	
۲۹/۶	ابتدایی	تحصیلات
۲۰/۴	سیکل	
۱۹/۹	دیپلم	
۱۷/۷	کارشناسی	

۱۹/۳	کشاورز	شغل
۲۸	شغل آزاد	
۱۶/۵	دانشجو	
۱۹/۶	خانه دار	

منبع: نتایج تحقیق (۱۳۹۴)

مقایسه توصیفی متغیرهای تحقیق بین جامعه نمونه شهری

همان طور که در جدول ۵ مشاهده می شود، تفاوت میانگین چشم گیری بین شهرهای مورد مطالعه در متغیر وابسته و متغیرهای مستقل تحقیق دیده نمی شود. میانگین متغیر عوامل فرهنگی در شهرهای مورد مطالعه به نسبت سایر متغیرها در سطح بالاتری قرار دارد.

جدول ۵) مقایسه مقادیر شاخص های مرکزی متغیرهای وابسته و مستقل تحقیق

به تفکیک جامعه نمونه شهری

متغیرهای مستقل		متغیر وابسته		سبک زندگی	
عوامل فرهنگی		عوامل اجتماعی			
۵۸/۸	۵۱/۱	۴۵/۶	میانگین	نشتیفان	
۱۲/۸	۱۲/۷	۱۵/۹	انحراف معیار		
۵۹/۱	۵۰/۷	۴۷/۱	میانه		
۵۲/۸	۴۸/۲	۴۴/۳	میانگین	سلامی	
۱۷/۱	۱۳/۲	۱۴/۷	انحراف معیار		
۵۲/۶	۴۵/۸	۴۳/۵	میانه		
۵۶	۵۱/۱	۴۳/۲	میانگین	جنگل	
۱۲/۲	۱۱/۳	۱۲/۷	انحراف معیار		
۵۶/۳	۵۲/۱	۴۳/۱	میانه		
۵۶	۵۰/۱	۴۴/۴	میانگین کل		
۱۴/۷	۱۲/۵	۱۴/۴	انحراف معیار کل		
۵۶/۲	۴۹/۳	۴۴/۶	میانه کل		

منبع: نتایج تحقیق

یافته‌های استنباطی

با توجه به این که هر یک از متغیرهای تحقیق با چند شاخص و هر کدام از شاخص‌ها نیز با چند سؤال مورد سنجش قرار گرفته‌اند، بنابراین می‌توان از ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون فرضیه‌ها استفاده نمود. آزمون همبستگی پیرسون بین فرضیه‌های تحقیق (جدول ۶) نشان می‌دهد که وجود ارتباط معنادار بین اکثر فرضیه‌های فرعی مورد بررسی، به جزء یک فرضیه گرایش‌های دینی با متغیر وابسته (سبک زندگی) با سطح معناداری ۰/۰۰۰ تأیید شده است. بنابراین می‌توان بیان نمود که بین مشارکت اجتماعی، سازمان‌های سیاسی و اداری، شبکه راه‌ها و وسایل ارتباطی، روحیه فردگرایی، هویت طبقاتی، روابط غیرمستقیم و ثانویه، امکانات فرهنگی و آموزشی، مصرف رسانه‌ای، سرمایه فرهنگی، مصرف گرایی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر، ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۶) آزمون متغیرهای مستقل پژوهش

عوامل	متغیرهای مستقل	متغیر وابسته: سبک زندگی	
		مقدار	معناداری
عوامل اجتماعی	مشارکت اجتماعی	۰/۲۲۶	تأیید
	سازمان‌های سیاسی و اداری	۰/۲۳۴	تأیید
	شبکه راه‌ها و وسایل ارتباطی	۰/۲۹۷	تأیید
	روحیه فردگرایی	۰/۳۶۷	تأیید
	ایجاد طبقات اجتماعی	۰/۱۹۰	تأیید
	روابط غیرمستقیم و ثانویه	۰/۳۰۴	تأیید
عوامل فرهنگی	امکانات فرهنگی و آموزشی	۰/۳۲۶	تأیید
	مصرف رسانه‌ای	۰/۴۶۳	تأیید
	سرمایه فرهنگی	۰/۲۷۹	تأیید
	گرایش‌های دینی	۰/۰۸۱	عدم تأیید

منبع: نتایج تحقیق

تحلیل رگرسیون متغیرهای مستقل تحقیق و سنجش میزان تأثیر آنها بر متغیر وابسته

نشان می دهد که: الف) بین هر دو عامل فرهنگی و اجتماعی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه معناداری وجود دارد. با بررسی ضریب بتا^۱ مربوط به این عوامل مشخص می شود که عوامل اجتماعی با بتای ۰/۲۶۶، بیشترین میزان تأثیر را بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر داشته است. پس از آن عوامل فرهنگی با مقدار ۰/۱۹۳، در رتبه دوم قرار دارد. ب) در تحلیل رگرسیون با استفاده از روش گام به گام^۲، تنها چهار متغیر مستقل مصرف رسانه ای، روحیه فردگرایی، مشارکت اجتماعی و روابط غیرمستقیم و ثانویه که دارای بیشترین تأثیر بر سبک زندگی بوده، وارد الگوی شده اند. با بررسی ضریب بتا مربوط به این عوامل مشخص می شود که متغیر مصرف رسانه ای با بتای ۰/۲۹۵، بیشترین میزان تأثیر را بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر داشته است. پس از آن متغیرهای روحیه فردگرایی با مقدار ۰/۲۱۵، مشارکت اجتماعی با مقدار ۰/۱۱۲ و روابط غیرمستقیم و ثانویه با مقدار ۰/۰۹۷، در رتبه های دوم به بعد قرار دارند. ج) تحلیل رگرسیون ده متغیر مستقل تحقیق با استفاده از روش همزمان^۳، میزان تأثیر هر یک را بر متغیر وابسته سبک زندگی، به شرح جدول ۷ نشان می دهد:

جدول ۷) آزمون رگرسیون ده متغیر مستقل تحقیق

سطح معناداری	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		متغیرهای مستقل	عوامل
	Beta	خطای استاندارد	B		

1. Beta
2. Stepwise
3. Enter

اجتماعی	مشارکت اجتماعی	۰.۷۵	۰.۳۳	۰.۱۱۶	۰.۲۳
	سازمان های سیاسی و اداری	۰.۰۰۸	۰.۳۰	۰.۱۳	۰.۷۹۸
	شبکه راه ها و وسایل ارتباطی	۰.۲۲	۰.۳۵	۰.۳۰	۰.۵۳۸
	روحیه فردگرایی	۰.۱۷۹	۰.۳۸	۰.۲۱۸	۰.۰۰۰
	ایجاد طبقات اجتماعی	-۰.۰۰۴	۰.۳۰	-۰.۰۰۶	۰.۸۹۹
	روابط غیرمستقیم و ثانویه	۰.۰۵۰	۰.۲۹	۰.۰۸۳	۰.۰۸۴
فرهنگی	امکانات فرهنگی و آموزشی	۰.۱۴	۰.۳۸	۰.۱۹	۰.۷۱۶
	مصرف رسانه ای	۰.۲۳۳	۰.۴۳	۰.۲۷۶	۰.۰۰۰
	گرایش های دینی	-۰.۰۲۰	۰.۳۱	-۰.۳۲	۰.۵۰۸
	سرمایه فرهنگی	۰.۰۲۲	۰.۲۶	۰.۰۴۳	۰.۳۹۳

منبع: نتایج تحقیق

نتیجه

با توجه به شتاب تحولات فرهنگی و اجتماعی و روند رو به رشد شهرنشینی در سطح جهان و اهمیت مسأله سبک زندگی در نظام سکونتگاهی شهری، این پژوهش در صدد شناسایی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر بوده است. بر اساس نظریات موجود در ادبیات جامعه شناسی شهری و روستایی، پس از تبدیل یک روستا به شهر و ورود آن منطقه به عرصه شهرنشینی، پیامدها و عوارض ناشی از این تغییر و تحول خود را در قالب عوامل مختلفی از جمله عوامل فرهنگی و اجتماعی نشان می دهند. بر همین مبنا، مجموع این عوامل بر سبک زندگی، ساکنان این نواحی اثرگذار بوده و بین آنها رابطه معناداری وجود دارد. در متغیر وابسته سبک زندگی، تفاوت میانگین چندانی بین شهرهای مورد مطالعه مشاهده نشده است. میانگین سبک زندگی در نشتیفان (۴۵/۶) به نسبت میانگین کل (۴۴/۴) مقدار بالاتری را نشان می دهد. اما در شهرهای سلامی (۴۴/۳) و جنگل (۴۳/۲) میزان پایین تری نسبت به میانگین کل دیده می شود. در متغیر عوامل اجتماعی، تفاوت میانگین چندانی بین شهرهای مورد مطالعه مشاهده نشد. میانگین عوامل اجتماعی

در نشتیفان (۵۱/۱) و جنگل (۵۱/۱) به نسبت میانگین کل (۵۰/۱) مقدار بالاتری را نشان می دهد. اما در شهر سلامی (۴۸/۲) میزان پایین تری نسبت به میانگین کل دیده می شود. لذا می توان نتیجه گیری نمود که عوامل اجتماعی مورد بررسی در شهرهای نشتیفان و جنگل در مقایسه با سلامی، تأثیر بیشتری بر سبک زندگی افراد داشته اند. در متغیر عوامل فرهنگی تفاوت میانگین قابل ملاحظه ای بین شهرهای مورد مطالعه دیده می شود. میانگین عوامل فرهنگی، در نشتیفان (۵۸/۸) به نسبت میانگین کل (۵۶) مقدار بالاتری و در جنگل (۵۶) مقدار مساوی را نشان می دهد. اما در شهر سلامی (۵۲/۸) میزان پایین تری نسبت به میانگین کل دیده می شود. لذا می توان نتیجه گیری نمود که عوامل فرهنگی مورد بررسی در شهرهای نشتیفان و جنگل در مقایسه با سلامی، تأثیر بیشتری بر تحولات شاخص های سبک زندگی افراد داشته اند. بین هر دو عامل فرهنگی و اجتماعی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر، رابطه معناداری وجود دارد. با بررسی ضریب بتا مربوط به این عوامل مشخص می شود که عوامل اجتماعی با بتای ۰/۲۶۶، بیشترین میزان تأثیر را بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر داشته است و عوامل فرهنگی با مقدار ۰/۱۹۳، در رتبه بعدی قرار دارد. در مجموع، بیشتر تغییرات شاخص های سبک زندگی در شهرهای نشتیفان و سلامی متأثر از عوامل فرهنگی و در شهر جنگل، ناشی از عوامل اجتماعی بوده اند. با ورود فناوری، تغییرات بنیادینی در زندگی، احساس، تفکر، شیوه زیست و فرهنگ انسان امروزی پدید آمده است. افزایش مصرف رسانه ای در قالب مطبوعات، تلویزیون، اینترنت، ماهواره، کتاب، ویدئو و ... امروزه بخش جدایی ناپذیر از زندگی روزمره را شامل می شوند. فعالیت رسانه و رادیو و گسترش جاده ها که منجر به توسعه ارتباط با شهرها و نواحی اطراف شدند را می توان از نخستین تغییرات در الگو یا کسب ارتباطی روستاهای تبدیل شده به شهر دانست. رادیو و تلویزیون با تولید و پخش پیام های متناسب با فرهنگ شهری، به اطلاع رسانی در خصوص سبک زندگی شهری برای روستاهای شهر شده می پردازند. جاده های آسفالت شده همراه با گسترش کاربرد اتومبیل های شخصی و عمومی در سطح این نواحی، فرصت مراجعه بیشتر و ارتباطات رو در رو و چهره به

چهره بیشتری برای ساکنان با شهرهای اطراف را فراهم ساختند. روستاهای تبدیل شده به شهر در ایران به دلیل بهره‌مندی از بخشی از دستاوردهای فناوری دنیای نوین و به سبب برخورداری از تسهیلات ارتباطی نسبتاً مناسب، در دوره‌ای از تاریخ تحول فرهنگی - اجتماعی خود قرار گرفته‌اند که حرکتی نسبتاً گسترده از سبک زندگی سنتی به سمت سبک زندگی نوین را تجربه می‌کنند. این حرکت و تغییر را می‌توان حاصل عوامل فرهنگی و اجتماعی دانست که مهم‌ترین آنها ورود امکانات نوین و در رأس آنها برخورداری از زیرساخت‌های ارتباطی است. هم‌چنین در دوره نوین و معاصر سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان دولت و شهرداری‌ها در زمینه فضاهای شهری، خانه‌سازی و تولید انبوه، نقش مؤثری در چگونگی فرهنگ خانه معاصر داشته و دارد. این وضعیت سبب شده تا بتوان قضاوت کرد که سبک زندگی شهری در برخی جهات، به این مناطق نیز رسوخ کرده است. تغییراتی که علاوه بر الگوی مصرف، در ساختارهایی هم‌چون همبستگی، نوآوری، فردگرایی، روحیه تعاون و به‌طور کل در سبک زندگی روستاهای تبدیل شده به شهر بوجود آمده است. این تغییرات در روستاهای شهر شده نسبت به مناطق دیگر از شتاب بیشتری برخوردار بوده است، به طوری که می‌توان از آن به‌عنوان پدیده "شهری شدن سبک زندگی در روستاها" نام برد.

منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۷۳). مقدمه/ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: علمی و فرهنگی.
- ایزدی خرامه، حسن (۱۳۸۰). "تبدیل روستا به شهر و نقش آن در توسعه روستایی، مورد مطالعه: استان فارس". رساله دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- باکاک، رابرت (۱۳۸۱). مصرف. ترجمه خسرو صبری. تهران: شیرازه.
- پورافکاری، نصرت‌الله؛ کلانتری، صمد؛ نقدی، اسدالله (۱۳۸۱). "توسعه شهرنشینی و پیامدهای آن (با تکیه بر مورد ایران)". فصلنامه جمعیت، سال دهم، ش ۳۹ و ۴۰ (بهار

و تابستان): ۱ - ۳۴.

- پورهمرنگ، نسرين (۱۳۸۷). "بررسی رفتارهای اجتماعی افراد در محیط شهری نو، مطالعه موردی: بلوار گلزار رشت". پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه پیام نور تهران.

- چلبی، مسعود (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی نظم*. تهران: نشر نی.

- حقیقتیان، منصور (۱۳۹۱). "بررسی تأثیر شهرنشینی بر روابط اجتماعی در شهر بوشهر (آزمون نظریه لوئیس ویرت)". *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، دوره سوم، ش ۸ (بهار): ۳۹ - ۵۰.

- ذوالفقاری، مریم (۱۳۹۱). "بررسی تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر سبک زندگی و الگوی مصرف افراد، مطالعه موردی: مناطق شمال، مرکز و جنوب شهر تهران". پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

- صادقی قمشلو، فرزانه (۱۳۹۲). "ارزیابی و تحلیل پیامدهای تبدیل روستا به شهر، مطالعه موردی: شهرستان‌های جنوبی استان اصفهان". پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اصفهان.

- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۶۹). "انسان و شهرنشینی". *نامه‌ی علوم اجتماعی*، دوره جدید، جلد دوم، ش ۱، مسلسل ۴ (زمستان): ۱۹۸ - ۲۲۶.

- ضیاء توانا، محمدحسن؛ امیرانتخابی، شهرام (۱۳۸۶). "روند تبدیل روستا به شهر و پیامدهای آن در شهرستان تالش". *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، سال پنجم، ش ۱۰ (پاییز و زمستان): ۱۰۷ - ۱۲۸.

- علیمردانی، مسعود (۱۳۸۵). "سیر تحول پدیده شهرنشینی و ویژگی‌های اجتماعی شهرنشینان در اندیشه ابن خلدون". *فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)*، سال شانزدهم، ش ۵۹ (تابستان): ۹۷ - ۱۲۲.

- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*. قم: صبح صادق.

- کیویستو، پیتر (۱۳۸۰). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر

صبوری. تهران: نشر نی.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). *سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن کل کشور*. تهران: مرکز آمار ایران.

- مهاجرانی، علی اصغر؛ حقیقتیان، منصور؛ یوسف‌نیا، مهدی (۱۳۹۴). "بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر، مورد مطالعه: شهرستان‌های خواف و رُشتخوار در استان خراسان رضوی". رساله دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.

- مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۷). "مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی". *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۱۹۹-۲۳۰.

- نوابخش، مهرداد، فتحی، سروش (۱۳۸۹). "رشد و توسعه شهرنشینی در ایران با تأکید بر فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی". در: *مجموعه مقالات اولین همایش مدیریت و برنامه‌ریزی شهری*. گردآورنده مرکز تحقیقات استراتژیک. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام: ۹۵-۱۲۲.

- وبر، ماکس (۱۳۷۴). *اقتصاد و جامعه*. ترجمه منوچهر ترابی نژاد و رضا عمادزاده. تهران: مولی.

- Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A social critique of the Judgment of taste*. London: Routledge.

- Chaney, D. (1996). *Lifestyle*. London: Routledge.

- Dempsey, k. (1990). *Small town: Astady of social inequality, Cohesion and Belonging*. Melbourn: Oxford university press.

- Omoja, L. O. (1987). *The Role of Small Towns in Rural Development in BornoSatte, Nigeria*. London: London University.

- Pumain, D. (2006). *The Urbanization presses, in Demography*:

analysis and synthesis: a treatise in population studies, Vol. 2. London: Academic Press.

- Rezvani, M. R. & et al. (2009). "The Role and Function of Small Towns in Rural Development Using Network Analysis Method; Case: Roniz Rural District (Estahban city, province Fars, Iran)". Journal of Geography and Regional Planning, Vol. 2, No. 9: 214-223.
- Todaro, M. (2005). Urbanization and Rural-Urban Migration: Theory and Policy. London: Oxford university press.
- United Nation Development Program (UNDP) (2012). Human Development Index Report (HDI). New York: United Nation.
- Wei, R. (2006). "Lifestyle and new media: Adaption use of wireless communication technologies in china". New media society, Vol. 6, No. 6: 991-1008.
- Wilson, T. (1993). "Urbanism and kinship Bonds: A test of four generalizations". Social force, Vol. 71, No. 3: 703-712.